

## سید محمد علی جمال زاده

ژنو - سوئیس

عاشق ورنند و نظر بازم و میگویم فاش  
 تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام  
 شرمم از خرقة آلوده خود می‌آید  
 که بر او وصله به صد شعبده پیر آسته‌ام  
 (حافظ)

## رواج بازار شعر و شاعری

(قسمت سی و چهارم)

حافظ چه نوع آدمی بوده

اگر بخواهیم بدانیم که خواجه حافظ ما به چند هنر آراسته بوده و رویهمرفته چه نوع آدمی و عارفی و شاعری بوده است بجز اینکه از گفته خود او مدد بگیریم راه معقول دیگری در پیش نداریم و اگر راه دیگری اختیار نمائیم احتمال بسیار دارد که راهرو اقلیم افسانه و غلو باشیم و کار مفید و بنا اساسی انجام ندهیم.

گفته خود حافظ هم منحصر است به همین کتابی که «دیوان حافظ» عنوان دارد و صدها مرتبه بچاپ رسیده (۱) و کرورها مرتبه هموطنان ما و

(۱) بموجب کتاب بسیار گراند «فهرست کتابهای چاپی فارسی» گردآورده خانبا با مشار ستونهای ۷۲۴-۷۲۶ (از انتشارات «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» شماره ۹) دیوان حافظ تا چندسال پیش چه در داخله و چه در خارجه (با ترجمه ویی ترجمه) ۶۰الی ۷۰ بار بیشتر بچاپ نرسیده بوده است و چون در این سالهای اخیر هم مکرر به چاپ رسیده است میتوان معتقد بود که من حیث المجموع از ۸۰ بار بیشتر بچاپ نرسیده در صورتی که ممکن است بعضی از هموطنان تصور نمایند که صدها بار بچاپ رسیده است.

بیگانگان فارسی‌دان و حافظ شناس از غزل‌های آن به حظ روحانی رسیده‌اند و حتی برای تسلیت و تشفی خود از آن فال گرفته‌اند.

من که جمالزاده هستم هرگز روزی را فراموش نمیکنم که سی‌سالی پیش از این که کنفرانس کار ممالک مشرق‌زمین در استانبول انعقاد یافته و من نیز در آن شرکتی داشتم روزی که تمام اعضای کنفرانس که چندصد نفر از ملتهای اروپائی و امریکائی و افریقائی و علی‌الخصوص از کشورهای خاوری بودند در میهمانخانه بسیار مجلل «پرا» در استانبول میهمان دولت ترکیه بودیم، در سرمیز ناهار جای من پهلوی نماینده هندوستان بود که باهمان لباس و دستار زری حضور یافته بود و جلب نظر را میکرد. رفیق و هموطن اوهم باهمان لباس و دستار روبروی او در آن طرف میز نشسته بود. باهم آشنائی نداشتیم و نمیدانستند که من ایرانی هستم، همیشه در که سرها قدری گرم شد ناگهان دیدم رفیق هندی آن طرف میز جام شراب خود را بلند کرد و خطاب بدوست خود که پهلوی من نشسته بود باصدائی که بسیاری از حضار شنیدند و باهمان لهجه بسیار شیرین هندوان فارسی‌گوی برسم نوش باد گفت

« بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت »

« کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلی را »

از آن تاریخ بعد به کرات آن روز و آن لحظه و آن مجلس در خاطر من مجسم گردیده است و هر بار چنان لذتی یافته‌ام که محال است بتوانم با کمک زبان و قلم وصف آنرا چنانکه دلم میخواهد به بیان برسانم.

گفتیم که برای شناختن حافظ بجز دیوانش راه و وسیله دیگری نداریم.

در این زمان اخیر حافظ شناسان عالی مقام خودمان همین راه را پیموده‌اند (۱) و الحق نتایج بسیار گرانبھائی هم بدست آورده‌اند بطوری که امروز دیگر حافظ برایمان مرد مجهولی نیست و کیفیات کار و زندگی‌اش در زیر ابرهای ابهام‌مستور نیست و من نیز در اینجا تقریباً تمام آنچه را در این گفتار می‌آورم خوشه‌ایست که از خرمن زحمت‌های آنها بدست آورده‌ام و ابداً مدعی نیستم که متاع تازه و نوبری به بازار آورده‌ام ولی از آنجائی که در هر صورت

« جان پرور است قصه ارباب معرفت »

امیدوارم همین مکررات هم مایه کسالت خاطر یاران نباشد.

بطور یقین حافظ هم میتواند با مولوی هم‌زبان شده بفرماید؛

« هر کسی از ظن خود شد یار من »

از درون من نجست اسرار من »

و خیلی احتمال دارد که لااقل قسمتی از آنچه تاکنون درباره حافظ

گفته و نوشته‌اند و می‌گوئیم و می‌نویسیم زائیده صغرا و کبراهای آلوده به ارادتمندی مفرط و استنباطات ضعیف ما باشد و امید زیادی هم نمیتوان داشت که در آینده به کشفیات مهمی که وضع کنونی را تغییری بدهد دست بیاییم.

در مطبوعات ایران دیده شد که اخیراً دانشمند محترم آقای جلالی نائینی دیوانی از حافظ از هند بایران آورده‌اند که در سال ۸۲۴ هجری قمری یعنی ۶۸ سال پس از وفات حافظ تحریر یافته است و هکذا ما امروز میدانیم

(۱) شاید بتوان ادعا کرد که در این پنجاه سال اخیر تحقیقات و تألیفات درباره

حافظ بیشتر از ۵۵۰ سال پیش از آنست پس از وفات حافظ.

که در استانبول نسخه‌ای خطی از دیوان حافظ وجود دارد که به «نسخه‌ایاصوفیا» معروف است (در کتابخانه ایا صوفیا در تحت شماره ۳۹۴۵) که در سال ۸۱۳ یا ۸۱۴ هجری قمری یعنی ۲۱ یا ۲۲ سال پس از وفات حافظ کتابت یافته است. امید است که این نوع کشفیات به شناساندن حافظ باز کمک بسزائی بنماید.

### سفینه حافظ

ما میدانیم که حافظ در اشعار خود چند مرتبه از «سفینه» و حتی «سفینه حافظ» یعنی دفتری که در آن اشعاری مینوشته سخن رانده که از آن جمله است:

«در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است»

«صراحی می‌ناب و سفینه غزل است»

و یا این بیت دیگر که صحبت از «سفینه حافظ» در آن بمیان آمده:

«من و سفینه حافظ که جز درین دریا»

بضاعت سخن در فشان نمی بینم»

و یا باز این بیت که باز در آن از «سفینه حافظ» سخن رفته است:

«ز شوق سر بدر آرند ماهیان از آب»

«اگر سفینه حافظ رسد به دریائی»

و نیز این بیت:

«دیدیم شعر دلکش حافظ به مدح شاه»

«یک بیت از این سفینه (یا قصیده) به از صد رساله بود»

## و یا باز این بیت :

گُل بر جریده گفته حافظ همی نوشت  
 هر بیت از این سفینه به از صد رساله بود  
 و آیا نمیتوان احتمال داد که مقصود از « سفینه » در این ابیات جنگ  
 و یادفتری بوده که حافظ اشعار خود را در آن ( بلکه با اشعار گزیده دیگری )  
 مینوشته است و آیا نمیتوان احتمال داد که روزگار که صدهاگونه چرخ و  
 گردش دارد روزی چنین « سفینه » ای را در گوشه‌ای از ایران و یا کشور  
 دیگری از زیر خروارها گرد و خاک فراموشی بیرون اندازد . آنوقت البته به  
 مطالب و اشارات و نکاتی دست خواهیم یافت که بر ما پنهان مانده بوده است  
 و الا آیا بیم آن روز که باز سالیان دراز مباحث لفظی جای مباحث و حقایق  
 معنوی را بگیرد و خودمان را بنا مکرراتی تحقیق مانند دلخوش بداریم که  
 ارزشی اساسی نداشته باشد (۱) .

لابد میدانید که شاد روان استاد ابرانشناس چکواسلواکی یان ریپکا در  
 سخنرانی خود در باره حافظ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی در تالار  
 فردوسی در تهران کتب در مجله آن دانشکده ( شماره ۴ از دهمین سال در  
 تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۴۲ هجری شمسی ) بچاپ رسیده و سپس مجله «ارمغان»  
 هم متن آنرا در شماره خرداد ۱۳۴۸ نقل نموده است (۲) از « اخباری که

(۱) چندین سال پیش مقاله‌ای در همین معنی بقلم این حقیر در روزنامه «بهار ایران»  
 منطبعه شیراز ( شماره ۹ مهر ۱۳۵۳ شمسی و شماره بعدی در سه قسمت ) بچاپ رسیده  
 است با عنوان « حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود » .

(۲) این سخنرانی از طرف دانشکده ادبیات تهران بصورت رساله جداگانه ( ضمیمه  
 مجله دانشکده شماره ۴ سال دهم ) هم بچاپ رسیده است .

گویای تبحر حافظ در نثر فنی عربی و حکمت الهی است و پاره‌ای از آن نوشته‌ها که بخط خود اوست و بدست ما رسیده است « صحبت داشته است و نیز » از استنساخی که حافظ از حمزه امیر خسرو نموده و در تاشکند وجود دارد « ولی افسوس که راقم این سطور را در باره این دو مطلب هیچگونه اطلاعی در دست نیست و البته « مرکز حافظ‌شناسی » و « کتابخانه حافظیه شیراز » بهمت سرپرست آن یعنی حضرت آقای علینقی بهروزی عکس این اسناد گرانبها را بدست آورده بر اسناد و مآخذ مرکز خواهند افزود .

نظامی مانند اغلب اساتید باستان از تمام علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در علوم ادبی و عربی کامل عیار و در وادی عرفان و سیر و سلوک راهنمای بزرگ و در عقاید و اخلاق ستوده پای‌بند و استوار و سرمشق فرزندان بشر بوده . در قنون حکمت از طبیعی و الهی و ریاضی دست کامل داشته و اگر وارد مرحله شاعری نبود و بتدریس و تألیف علوم حکمیه میپرداخت در ردیف نوابغ حکمت و فلسفه بشمار می‌آمد .

( گنجینه گنجوی )